

# نویسنده

سال سوم - شماره ۵۲ - شنبه ۲۹ مهر ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

بخشی از مقاله ن. کیانوری درباره

## ضرورت اتحاد نیروهای ملی و آزادیخواه

با وجودی که امر اتحاد نیروها در میدان های مبارزه مردم پیشرفت های عملی چشمگیری کسب کرده است، در میان بخشی از رهبران گروه ها و بخش های گوناگون جنبش ضد امپریالیستی و آزادی خواهانه میهن ما درباره امکان لزوم اجتناب ناپذیر همکاری و وحدت عمل همه نیروهای ضد استبدادنیرویات و موضع گیری های نادرست وجود دارد. تاثیر تبلیغات گمراه کننده ضد کمونیستی محافل امپریالیستی از یک سو و موضع گیری سیاسی در چهارچوب منافع گروهی، فئودالی و طبقاتی برخی از این رهبران از سوی دیگر مانع از این است که اندیشه لزوم همکاری همه نیروهای ضد استبداد در درون کشور که نیروهای توده ای بخش بسیار مهمی از آن را تشکیل می دهند - با آن سرعتی که گسترش پرشتاب جنبش در ایران می طلبد، پیشرفت نماید.

برای مبارزان راه استقلال و آزادی کشور ما در دراز مدت که در همان لحظاتی که در خفا میان های شهرهای ایران مبارزاتی که زیر پرچم روحانیون مخالف رژیم مبارزه می کنند، دوش به دوش مبارزاتی که زیر پرچم حزب توده ایران به میدان نبرد گام گذاشته اند، در برابر رگبار مسلسل های مزدوران امپریالیسم رژیم استبدادی شاه با خون خود اسفالت خیابان ها را رنگین میکنند و یکصد قربان دسرتگون باد استبداد و پیروزی پاد آزادی را طنین انداز می سازند، برخی از رهبران روحانی آنها ماتنا تپا و بی پایه، آنها ماتی که سالیات در زرادخانه های استعمار و ارتجاع ساخته و پرداخته می شوند در سر اسرجهان پراکنده می گردند، درست در همین لحظات علیه پیگیرترین میدان آوارترین مبارزان راه آزادی و استقلال ملی، به جنبش توده ای میهن ما، به پیروان جهان بینی های علمی، به مبارزان راستین راه طیف کارگرواردی سازند و با این کار پیشرفت به سوی اتحاد و وحدت عمل نیروهای ضد استبداد را دشوار می کنند. آیا این رهبران توجه نمی کنند که دشمنان استقلال و آزادی خلق ما در اسرجهان تمام نیروی خود را به کار می اندازند تا تخم پراکنندگی و نفاق را میان خلق ما در میان هر خلق، میان گردان های مبارزان بیفکندند و آن را آبشاری کنند؟

حزب توده ایران به رغم این موضع گیری های نادرست، به رغم همه اتهامات ناروایی که از همان روز اول پیدایشش بر او وارد آمده است با پیروی از جهان بینی علمی خود با اعتقاد تزلزل ناپذیر به درستی اندیشه اتحاد همه نیروهای ضد استبداد برای برانداختن این اهریمن فساد، با پیگیری و خستگی ناپذیری این یگانه شاهراه پیروزی را دنبال خواهد کرد و هرگز از آن گام بیرون نخواهد گذاشت.

وظیفه مبارزان توده ای است که این اندیشه را با تمام نیروی خود به میان سایر مبارزان ضد استبداد بپراکنند و آنها را بخواهند که رهبران خود را به سوی اتحاد و وحدت عمل همه نیروها به پیش ببرند.

نقل از مجله دنیا، سال پنجم، شماره ۵



برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

## توطئه جدید رژیم

تهاجم وحشیانه اوباشان و قداره بسند آن رژیم شاه - ساواک به اجتماع مذهبی مردم در مسجد جامع کرمان و ضرب و جرح آنان که به شهادت حداقل پنج نفر از آزادیخواهان مسلمان، به آتش کشیدن بخشی از مسجد و کتابخانه آتو آتش زدن تعدادی از نسخ قرآن همراه با شعار های ضد مذهبی و توهین موهن به معتقدات مذهبی مردم منجر گردید و نظیر آن در آمل نیز تکرار شد، بار دیگر چهره واقعی رژیم مدعی "آشتی ملی" و آزادی و قانون اساسی را در انظار مردم عریا نتر به معرض نمایش گذاشت. هجوم گرازهای وحشی در پناه و حمایت مسلسل های رژیم، از توطئه جدیدی خبر می دهده که منظور ارباب دواشده فدائیان مسموم دشمنی و کین تیزی دشمنی و غیر موجهه در میان نیروهای ملی و دموکراتیک وابسته به اقتدار گوناگون اجتماعی استوار گردیده شده است. رژیم شاه که در شرایط گسترش سریع و عمیق جنبش انقلابی مردم پایه های حکومتش را سخت لرزان می بیند، با بهره گیری از حکم امپریالیستی شفرقه بیانداز و حکومتش را "تلاش می کند با استفاده از همه وسایل و شیوه های فانداسانی و بهره گیری از تکنیک نظری های نفاق افکنانه پاره ای از نیروهای مبارزو آشفته بازار پراکنندگی و نفاق ناشی از پیشداری هاوسو" تغییرهای تابجا در درون جنبش، به این نفاق و تفرقه دامن زند و گردان های مبارز درون جنبش را به جان هم اندازد و نیروی همه آنها را تضعیف کند تا بلکه از این راه بر عمر سنگین خود چند مباحی بیفزاید. تمام مدعی نیست که بورژوازی خونی کله گرازه های ساواک به تجمع مسلمانان آزادیخواه در مسجد جامع کرمان و نیز در آمل به دنبال آنها مسات ناروا و دشمن شادکن اخیر است اله خمینی به حزب توده ایران، پیگیرترین و انقلابی ترین حزب دموکراتیک مدافع منافع زحمتکشان، صورت می گیرد. در شرایطی که رژیم ضد خلقی شاه با تمام نیرو و امکاناتش تلاش می کند بیست و نهم مارگسیست ها و مسلمانان مبارزو آزادیخواه تخم نفاق و دشمنی بپاشد، همه نیروهای مبارز باید تمام سعی خود را در جهت غنشی کردن توطئه های نفاق افکنانه رژیم به کار اندازند، نه آن که به آنچه که رژیم آرزوی کند تهنه دهند و متحدان طبیعی خویش در مرحله خطر کنونی بتازند و حتی در کار مبارزه آنها علیه رژیم کار شکنی کنند و دست بیاندازند. آیا کسی که مبارزات فزاینده درون جنبش را بر پیگیران متحد علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه مقدم می شمارد، خود را در پیگاه مردم و تاریخ مسئول نمی شناسد؟ ما به پیروی از مثنی اتحاد چوپانه جزیر خود به پشتیبانی و همبستگی با نیروهای حزب و آزادیخواه مسلمان ادامه خواهیم داد و با احساس عمیق مسئولیت عظیم تاریخی خویش، علی رغم اتهامات ناروا و دشمنی های بی موردی که استعمار پیواره ای از مبارزان راه آزادی و استقلال ایران نسبت به ما روا داشته می شود، با مبارزه پیگیر و انصاف گرانه علیه توطئه های نفاق افکنانه رژیم، به تلاش خود برای ایجاد همبستگی و اتحاد میان مسلمانان و نیروهای ملی و آزادیخواه، که ما ضمن پیروزی نبرد مقدس انقلابی مردم ما، ادامه خواهیم داد.

## مبارزه با سانسور

### جزئی از مبارزات ملی و دموکراتیک است

به خاطر همین جبهه گیری و نیز مواضع اقتصادی خود با صاحب امتیازان و کارفرمایان مطبوعات در تضاد قرار دارند. رژیم به یاری قتل کارفرمایان و حاربون آنها و نیز اعمال فشار اختقانی مستقیم سالهای مدید مطبوعات را به صورت یکی از فعال ترین مراکز و گانگ های تبلیغ سیاسی و ایدئولوژیک خود را و رد و از فراز این دژ به تهمیق مردم و تحریف و تخریب واقعات پرداخت. اما اوج گیری جنبش خلق و تشدید بحران انقلابی، ابزارهای تخریب کننده و تبلیغاتی رژیم شاه - ساواک را نیز به کام غرقاب فروکشید، تا آنجا که دو قطبی شدن جامعه به صورت جبهه دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم و جبهه ملی و ضد دیکتاتوری، در مطبوعات نیز منعکس شد. زحمتکشان مطبوعات با شمار زیاد با سانسور، شمارهای دموکراتیک جنبش را در پوسته و جامه حرفه ای به درون مطبوعات بردند. آنها در مناسب ترین شرایط، با تکیه دادن به امواج بسیار نیرومند جنبش انقلابی مردم و با وحدت و یکپارچگی درونی خود موفق شدند دولت را به قبول موری آزادی مطبوعات وادارند. این پیروزی با همه محدودیت و بیعاقبتی اش، ذوقا پیروزی زحمتکشان مطبوعات بود و به این لحاظ می تواند پیروزی نسبی مردم به

اگر پنبه و آتش را بتوان در کنار هم نگهداشت در آن صورت رژیم شاه - ساواک هم می تواند با مطبوعات آزادی که بوغ سانسور را از گردن خود پاره کرده اند، سازگاری داشته باشد. سازگاری مطبوعات آزاد، در فضایی که ازبوی باروت و خون شهدا و نمره و ضلعه شکرچه شدگان اشباع شده، بی اختیار داستان نشینند امیز "گرچه شجاع و مسلمان" را به یاد می آورد. این داستان تا چه حد واقعی است؟

تخت بی بدتوجه داشته باشیم که مطبوعات ایران یک وجود دو قطبی است. در یک قطب کارفرمایان قرار دارند که با انبوهی از رشته های مری و بنا مری سیاسی و اقتصادی به هیات حاکمه پیوند خورده اند و همواره غارت ثروت های طبیعی مملکت به خاطر موقعیت های سیاسی و اجتماعی و در استعمار کارگران بدی و فکری مطبوعات سهم قابل توجهی دارند. حلقه ای از خود فروخسگان و ملیفین حرفه ای در کسوت خبرنگار و نویسندگانی که خوشبختانه تعدادشان هم زیاد نیست - به این قطب پیوسته اند. در مقابل این قطب از جاگران و همدستان رژیم، اکثریت زحمتکشان مطبوعات، اعم از کارگروکارمند و خبرنگار و نویسندگانی قرار دارند که به طور طبیعی متعلق به جبهه مردم اند و

## با اعتصاب عمومی سراسری کودکانی نظامی شاه را خنثی کنیم!